



## حقیقت تعلیم و تربیت در اسلام<sup>۱</sup>

• محمد تقی مرادی<sup>۲</sup>

### چکیده

انسان موجودی دارای عقل و آزادی و سرشار از استعدادهای خدادادی است که قابلیت تغییرات گسترده را دارد. برای رسیدن به این هدف، مهمترین نقش را تعلیم و تربیت ایفا می کند؛ زیرا با تعلیم صحیح است که استعدادهای انسان شکوفا می شود و می توان آن را با فرهنگ انسانی و اسلامی آشنا کرد. اگر تعلیم و تربیت با مبانی دینی و عقلی باشد، آموزش معارف، تقویت ایمان، تعهد به انجام فرائض الهی و اخلاقی اثرگذار خواهد بود، در این صورت است که تعلیم و تربیت صحیح به شخصیت انسانها در زندگی فردی و اجتماعی با شیوه اسلامی رنگ می دهد.

### واژه گان کلیدی: انسان، تعلیم، تربیت، اسلام

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۱۲ \_ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱

۲- دانش پژوه دوره کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، مشهد مقدس



## مقدمه

«نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسُهُمْ» (حشر/۱۹) به دنبال خدا فراموشی، فراموشی ارزش و جایگاه انسانی خود نیز می‌آید. همین می‌شود که امروزه جهان شاهد ناامنی‌های وحشت‌انگیز گرفته تا پایمال شدن کرامت و حقوق انسانی، قربانی شدن معنویت، اخلاق و ایمان به طور خاص، تهاجم فرهنگی و تبلیغات سهمگین دشمنان اسلام از طریق شبکه‌های قدرتمند ماهواره‌ای و شبکه‌های مجازی در جوامع اسلامی شده است؛ که در پی آن غفلت امت اسلامی از آموزه‌های معتدل و حیات بخشی دینی و فرهنگی و اسوه‌های بی‌نظیر انسانی، سبب شده است که تعداد زیادی از مسلمانان به شدت تحت تاثیر فرهنگ بیگانه قرار گرفته و از فرهنگ غنی و آداب و سنن مطرقی خود فاصله بگیرند و بدتر از آن، اگر بخواهند خودشان را مدرن و پیشرفته نشان دهد سعی می‌کنند در زندگی فردی و اجتماعی خود از بیگانگان تقلید نموده و تابع فرهنگ و رسومات آن‌ها شوند. بر کسی پوشیده نیست که جهان اسلام به شدت از این فراموشی جایگاه خود و تقلید از بیگانگان رنج می‌برد و بسیاری از مشکلات خانوادگی و اجتماعی ریشه در تقلید از بیگانگان دور از فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دینی دارد. یکی از مهمترین این راه کارها تعلیم و تربیت است. مقاله‌ای که نوشته شده، بر آن است که در قالب دو فصل تعلیم و تربیت در زندگی اسلامی را مورد بررسی قرار داده و راههای تحقق آن را بیان بنماید.

## فصل اول

### { کلیات و مفاهیم }

#### ۱- مفهوم شناسی واژه‌ها

الف) «تعلیم» در لغت: راغب می‌گوید، تعلیم یعنی تکرار زیاد چیزی تا جای که اثر آن در نفس آموزنده حاصل شود (راغب، ۱۴۱۲ ق: ۵۸۰) همچنین، دانش یا مهارتی را به کسی آموختن و یاد دادن و به معنای یاد گرفتن نیز گفته‌اند. (انوری، ۱۳۸۱ ش، ج ۳: ۱۷۹۳)

ب) «تعلیم» در اصطلاح سخن گفتن و القای کلمات معنا دارد تا متعلم به معنای آن الفاظ پی ببرد و بدون وسیله استعداد تعلم خویش به فعلیت رساند و عالم شود. (امینی، ۱۳۸۶ ش: ۲۸)

ج) «تربیت» در لغت: تربیت از ماده رب است که از حروف (ر-ب-ب) تشکیل شده است و به معنای سوق دادن به سوی کمال و رفع نقایص می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۸۶ ش، ج ۴: ۲۲) راغب در مفردات می‌گوید الرب

در اصل به معنای تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالت پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد.

د «تربیت» در اصطلاح: با توجه به اختلاف نظری که درباره انسان شناسی و جهان بینی و هدف از خلقت انسان وجود دارد، تعاریف مختلف و متفاوتی از تربیت ارائه کرده‌اند که در اینجا به تعریف علامه امینی (رحمته) دارد اشاره می‌کنیم. ایشان نوشته‌اند: تربیت یعنی انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود بطور هماهنگ پرورش دهد.

## ۲. عمل، تکیه‌گاه تعلیم و تربیت در اسلام

سرنوشت انسان را عمل او مشخص و معلوم می‌کند. در قرآن کریم راجع به عمل موارد فراوانی ذکر شده است و تعبیرات رسا و زیبا در این زمینه دارد؛ مثلاً در سوره نجم آیه ۳۹ می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» برای بشر جز آنچه که کوشش کرده است نیست یعنی سعادت بشر در گرو عمل او است. و همچنین در سوره زلزال آیه ۷ و ۸ می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» پس هر که هم وزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید و هر که هم وزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.

این تعلیم یکی از بزرگ‌ترین تعلیمات برای حیات یک ملت است، وقتی یک ملت فهمید که سرنوشتش به دست خودش است و سرنوشت او را عملش تعیین می‌کند آن وقت متوجه نیروی خودش می‌شود و متوجه اینکه هیچ چیز به درد نمی‌خورد.

## ۳. جایگاه تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است آیات قرآن کریم که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد از خواندن و قلم و تعلیم و تعلم سخن می‌گوید. «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ / الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ / عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق/ ۳.۴.۵) از مسیر تعلیم و تربیت صحیح است که انسان به شناخت، آن چنان که هست، و آن چنان که باید باشد دست پیدا می‌کند و بناهای فکری شخصیت انسان، بازسازی می‌شود؛ عمدتاً افراد تاریخ‌ساز و تحول‌آفرین در زمینه‌های مختلف از همین مدارس و مراکز آموزشی رشد پیدا می‌کنند. علامه جعفری (رحمته) می‌فرماید: تعلیم و تربیت در دگرگون کردن انسان‌ها نقش اساسی و ضروری داشته و دارد و خواهد داشت. (جعفری، ۱۳۸۶: ش: ۱۲۴) به عنوان نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/ ۱۱) خداوند کسانی را که ایمان و کسانی را که علم به آنان داشته است درجات عظیمی میبخشد.





رسول خدا (ﷺ) فرموده است: «طلب العلم فریضه علی کلی مسلم و مسلمه» (شیخ ابوالفتح، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۰۷) یعنی طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

امام علی (علیه السلام) علم را منشأ تمام خیر و خوبی دانسته و در این زمینه می‌فرماید: «العلم اصل کل خیر» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۸، ح ۸۶۸) همچنین می‌فرماید: «ما نحل والد ولدا نحل افضل من ادب حسن» (نوری طبرسی، بی‌تا، ج ۱۵: ۱۶۴) یعنی ادب و تربیت نیکو، بهترین هدیه و بخشش پدر است که به فرزند بیان می‌کند. اما تزکیه و تربیت یک معنا دارد، زیرا تربیت در لغت به معنای پرورش و نمو دادن است که تزکیه به همین معنی است راغب در مفردات می‌نویسد: اصل تزکیه به معنای رشد و نمو و پرورش است. گاهی تزکیه را به بنده نسبت می‌دهند به اعتبار این که آن را کسب می‌کند مانند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس/۹) و گاهی به خدا نسبت داده می‌شود: «بَلِ اللَّهِ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ» (النساء/۴۹) و گاهی به پیامبر نسبت داده می‌شود «يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ» و گاهی به عبادت نسبت داده می‌شود پرورش و تکامل نفس است «وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً» (مریم/۱۳).

#### ۴- ضرورت تعلیم و تربیت

انسان به تعلیم و تربیت نیاز دارد به همان اندازه که ضرورت نان و آب برای او است. انسان از منظر قرآن کریم و آموزه‌های حیات بخش اسلام، دارای جسم و روح است؛ هم‌چنان که بدن انسان نیاز به تغذیه دارد روح انسان نیز محتاج تغذیه است؛ اگر به بدن آب و نان نرسد به اندک زمان از کار افتاده و نابود می‌شود. جان آدمی هم اگر تعلیم و تربیت نشود همینطور است.

نکته مهم این است که باید بین غذا و متغذی باید سنخیت باشد. غذای بدن مادی و از جنس او است غذای روح نیز باید معنوی و از سنخ او باشد؛ بدن نان و آب می‌خواهد و با فراگیری مطالب علمی و معارف دینی سیر نمی‌شود؛ روح نیز با نان آب سیر نمی‌شود بلکه غذای از جنس خودش می‌خواهد؛ زیرا جان‌ها با یاد خدا در ساحل آرامش پهلو می‌گرد. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (الرعد/۲۸)

ضرورت تعلیم و تربیت به خوبی معلوم شد زیرا هم‌چنان که بدن ضرورت به غذا دارد همین طور روح و جان آدمی ضرورت به غذا دارد و غذای جان علوم و معارف و اخلاق و ایمان است راه تغذیه روح یعنی فراگیری علوم و معارف تعلیم و تربیت است.

## ۵- نیاز تعلیم و تربیت در جهان اسلام

نیاز تعلیم و تربیت یکی از موضوعات مهم و نقش آفرین در جهان اسلام است و روی آن تأکید شده است چنان که معتقد هستیم که هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش تا حدودی که مرتبط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد آموزش ابتدایی اجباری است، آموزش حرفه‌ای هم باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بتواند استعدادهای خود را شکوفا کنند. (پورکریم، ۱۳۵۸ ش: ۳۵۲)

نکته‌ای که ذکرش خالی از فایده نیست این است که حقوق، محصول تلاش و تحقیقات صدها بلکه بیش از دو هزار متفکر از ملل و جوامع مختلف است (جعفری، ۱۳۸۶ ش: ۱۰۹)

با استفاده از هزاران جلد کتاب مربوط به قانون و حقوق و دیگر قراردادهای اجتماعی و بهره‌گیری از محصولات فکری نوابغ قرون و اعصار طولانی از افلاطون گرفته تا ژان ژاک روسو و هزاران قانون‌نگار و حقوق دان تدوین یافته است (همان: ۱۱۰) همان سخن را گفته است که اسلام چهارده قرن قبل آن را به مراتب کامل تر و جامع تر مطرح کرده است از جمله مسئله تعلیم و تربیت است که در اولین پیام حیات بخش اسلام و نخستین آیات آسمانی قرآن کریم انعکاس چشم‌گیری یافته است.

## ۶- زندگی به شیوه اسلامی

در مقابل انسان محوری و اومانسیم، از مهم‌ترین شاخصه‌های زندگی با شیوه و فرهنگ اسلامی این است که محور زندگی انسان خدا باشد؛ همچنین زندگی با شیوه اسلامی یعنی شناخت انسان آن چنان که هست و آن چنان که باید باشد؛ از دیگر شاخصه‌های زندگی با شیوه اسلامی هدفمندی در زندگی است چیزی که آیات سوره مؤمنون آیه ۱۱۵ « أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا » و سوره آل عمران آیه ۱۹۱ « رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا » بر آن تأکید دارد که زندگی به طوری کلی با شیوه اسلامی یعنی زندگی براساس بایدها و نبایدهای قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام) و عقل بدین معنا که رفتار و گفتار انسان، چه در زندگی فردی و خانوادگی و چه در زندگی اجتماعی در عرصه‌های مختلف مطابق با آموزه‌های منابع فوق باشد.

قرآن کریم که برای هدایت مردم و رهانندن انسان از تاریکی‌ها و رساندن او به روشنای نازل شده است می‌فرماید: « هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ » (الحديد/۹)





## ۷- نقش تعلیم و تربیت در شیوه زندگی اسلامی

انسان با علم آموزی و تربیت صحیح می‌تواند مهارت‌های زندگی معقول و مطلب را فرا گرفته و برای رسیدن به رشد و کمال خود تلاش نماید و لذا علاوه بر قرآن کریم روایت فراوان انسان‌ها را به فراگیری علم و ادب تشویق می‌کند و این کار را عامل زندگی با عزت و شرافت می‌داند و سبب موفقیت انسان در طولی زندگی بیان می‌کند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «تعلمو العلم صغارا تسودوا به کبارا» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰: ۲۶۷) در کودکی دانش بیاموزید تا در بزرگسالی به آن شرافت و بزرگی یابید مهم‌تر از آن کسب علم کنید تا زندگی برای شما کسب کند.

حیاتی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) از آن سخن می‌گوید و علم و دانش را عامل آن بیان می‌کند، یعنی زندگی در مسیر رشد و کمال یعنی زندگی با شیوه و فرهنگ اسلامی، یعنی زندگی با عزت و یاد خدا. منهای عمل به دستورات اسلام از منظر امام علی (علیه السلام) نه تنها زندگی اسلامی با عزت نیست بلکه در حقیقت، مرگ و نابودی است (ترجمه دشتی، ۱۳۸۶ ش، خطبه ۵۱)

از مجموعه این روایات به خوبی نقش فوق العاده تعلیم و تربیت در زندگی با شیوه اسلامی ظاهر می‌شود؛ زیرا زندگی شرافتمندانه و با عزت نافع و مساوی با زندگی اسلامی است، در گرو تعلیم و تربیت بیان شده است.

## فصل دوم

### {ارکان تعلیم و تربیت}

در تعلیم و تربیت چهار چیز نقش دارد:

- ۱- انسان مورد تعلیم و تربیت
  - ۲- معلم و مربی
  - ۳- مبانی و موارد تعلیم و تربیت
  - ۴- اهداف و چشم اندازهای که برای تعلیم و تربیت تعریف می‌شود
- زمانی تعلیم و تربیت می‌توان انسان ساز، نقش آفرین و ضامن اجرای دستورات دین برای پیاده کردن شیوه زندگی اسلامی در جامعه باشد که ارکان چهارگانه به طور شایسته مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

## رکن اول؛ انسان مورد تعلیم و تربیت

انسان موجودی است که قابلیت هرگونه تغییر و تحول را دارد چنان که گفته شد. در این دنیا هیچ حیوانی آفریده نشده که هم در هوا، دریا و در خشکی سلطه‌گری کند مگر انسان؛ برای تصدیق این کلام کافی است

که نگاهی اجمالی به تاریخ جنایتکاران شود که آن‌ها آن چنان ضعیف بودند که حتی قدرت راندن یک مگس را از صورت خود نداشته‌اند ولی دیری نگذشت که خودشان را آنچنان قدرتمند گمان کردند که حتی با خدا و فرستادگان او به مبارزه برخاستند و اسیر شهوت و هوای نفسانی قرار گرفتند و بدون عقل و وجدان و اخلاق دست به هر جنایت زدند و میلیون‌ها انسان را به کام مرگ فرستادند و این دگرگونی بی‌نهایت در سراسیمه‌ی سقوط و تباهی‌ها است.

در مقابل این دگرگونی، تحولات تکاملی هم در انسان مشاهده می‌کنیم که اگر زمین و آسمان و آنچه در میان آن روا است به او می‌داد که پوسته جوی را از دهان مورچه از روی ستم به آن حیوان بکشد امتناع می‌ورزید (ترجمه: دشتی، خطبه ۲۲۴)، ارزش زمام‌داری و سروری بر تمام دنیا را کمتر از بند لنگه کفش می‌دید مگر این که عدالت بورزد و حق را احقاق و باطل را نابود سازد (همان، خطبه ۳۳)

باید به این نکته توجه داشت که هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که انسان‌های معمولی در سیر تکامل و فرآیند، تعلیم و تربیت، به امام علی (علیه السلام) نرسند ولی با کمال صراحت می‌توان ادعا کرد که انسان می‌تواند به فراگیری تعلیم و تربیت درست به سلمان برسد که مدال افتخاری «سلمان منا اهل اللبیت» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۶۴) را از سوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دریافت کرد؛ یا می‌توان به ابوذر رسید که آن حضرت (رضی الله عنه) درباره‌اش فرمود: «ابوذر صدیق هذه الامه» (همان: ۶۵) و یا می‌توان به مالک اشتر رسید که در کمال قدرت بر انتقام، عفو می‌کرد و به جای تنبیه کسی که به او اهانت کرده بود به مسجد رفته و با خواندن نماز برای شخص اهانت کننده از خدا طلب مغفرت می‌نمود. بی‌جهت نیست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: مالک برای من همچنان بود که من برای رسول خدا بودم. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۵: ۹۸)

بنابراین نظام آموزش هر جامعه است که ضمن شکوفا ساختن استعدادهای نهفته انسان، او را با حیات معقول و زندگی اسلامی آشنا ساخته و در مسیر رشد و تکامل رهنمود می‌سازد.

## رکن دوم: مربی و معلم

معلم و مربی حقیقی انسان‌ها خداوند متعال است؛ زیرا هر چه از حقایق و واقعیات عالم هستی را که انسان درک می‌کند و به آنها پی می‌برد، با ابزار و وسایلی است که خداوند در اختیار انسان‌ها قرار داده و ساختار وجودی انسان، اعم از ساختار و ابزار بیرونی و درونی که در فرایند ادراک و فهمیدن به جریان می‌افتد از سوی خداوند اضافه شده است. اولی معلم بودن خدای سبحان را، به اضافه آیات متعدد از قرآن کریم اثبات می‌کند؛ مانند:

«لَرَّحْمَنُ / عَلَّمَ الْقُرْآنَ / خَلَقَ الْإِنْسَانَ» (الرحمن/ ۱۰۲: ۳)

بعد از خداوند سبحان پیامبران الهی اولین معلمان و مربیان انسان به شمار می‌روند؛ در آیات متعدد قرآن کریم





فلسفه بعثت پیامبران تعلیم و تربیت و خود آن بزرگوران معلمان و مربیان بشر شده اند. سوره بقره آیات ۱۲۹ «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» و ۱۵۱ «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» و سوره آل عمران آیه ۱۶۴ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» سوره جمعه آیه ۲ «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». خاتم پیامبران حضرت محمد (ﷺ) فرمودند: خدای سبحان مرا آموزگار مبعوث فرموده است. کار معلمان و مربیان در امتداد کاری انبیاء است و جایگاه بسیار بالایی برخوردار است و وظایف بسیار مهم و سنگین در قبال تعلیم و تربیت شاگردانشان دارند اگر در انجام این مسئولیت سنگین الهی غفلت و سهل انگاری کنند بزرگترین خیانت‌ها و جنایت‌ها را نسبت به آنها مرتکب شده‌اند.

### رکن سوم: مبانی و موارد تعلیم و تربیت

تمام آموزه‌های حیات بخش اسلام در سه حوزه عقاید احکام و اخلاق قابل دسته‌بندی هستند و از چهار منبع اولیه سر چشمه می‌گیرند:

- ۱- قرآن کریم، که یگانه کتاب آسمانی و معجزه جاوید پیامبر اکرم (ﷺ) «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» که پاسخگوی بشر تا روز قیامت است.
- ۲- سنت که شامل گفتار، رفتار، امضاء و عمل امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز در مجموعه سنت قرار دارد مثل قول و فعل و تقریر رسول خدا (ﷺ) و بیان‌کننده دستورات اسلام و حجت است
- ۳- اجماع دانشمندان و فقها البته اجماع از نظر شیعه به خودی خود و بماهو اجماع اعم از اجماع منقول و محصل حجیت لازم را ندارد بلکه وقت از حجیت بر خوردار میشود که حاکی از قول معصوم (علیهم‌السلام) باشد.
- ۴- عقل که اسیر شهوات و هواهای نفسانی قرار نگرفته باشد یکی از منابع دستورات اسلامی به شمار میرود. از آنجا که اجماع بماهو اجماع اعتبار لازم را ندارد در مجموعه سنت قرار می‌گیرد.

همچنین که قرآن کریم به شهادت خدای سبحان، کتاب هدایت است؛ «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلْجَبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» (بقره/۹۷)، «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۱۳۸) و بسیاری موارد دیگر که مؤید این کلام می‌باشد.

اگر تعلیم و تربیت افراد یک جامعه با محوریت این کتاب حکیم قرار بگیرد به طور قطع در آن جامعه هدایت و نورانیت، رأفت و مهربانی، حق‌گرایی و باطل‌گریزی، همکاری و خیرخواهی، عدالت خواهی و ظلم ستیزی،



عفو و گذشت و ظهور و بروز نموده و زندگی‌ها در عرصه‌های مختلف به شیوه‌های اسلامی می‌شود؛ زیرا جامعه که نهال وجودش با آموزه‌های قرآنی آب یاری، تغذیه و بارور گردیده است دیگر دنبال اوصاف رذیله نمی‌رود و اعمالی را که زندگی دنیوی و اخروی انسان را تهدید میکند مرتکب نمی‌شود.

رکن چهارم: هدف از تعلیم و تربیت: همان چیزی است که انبیا که معلمان و مربیان الهی هستند برای آنان نازل شده است

### **نتیجه :**

از مطالب که ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت که قابل انکار نیست، نقش این حرکت انسان ساز در چگونه زیستن انسان و شیوه زندگی اسلامی بسیار برجسته و پر رنگ است. جامعه‌ای که تعلیم و تربیت را دارا باشد همیشه آن جامعه موفق است. خداوند اولین و بهترین و صادق‌ترین معلم و مربی است که قرآن را برای خیر و صلاح بشریت به دست رسولش فرستاد تا انسان راه را از بیراهه تشخیص دهد و در این دریای موج دچار سانحه و گمراهی نشود. خداوند خود به تربیت انسان توجه کرده و بارها در قرآن به آن اشاره کرده است. خداوند امر تعلیم و تربیت را مهم نشان داد تا بشریت بتواند به تکامل برسد.





## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی
۲. نهج البلاغه، (۱۳۸۶ ش) ترجمه: دشتی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد
۳. امینی، ابراهیم (۱۳۸۶) اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ اول، مؤسسه بوستان کتاب، قم
۴. انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، سخن، تهران
۵. پورکریم، محمد مهدی، (۱۳۵۸ ش) فرهنگ سیاسی نمونه
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۴۱۰ ق) غرر الحکم، دارالکتاب اسلامی، قم
۷. جعفری، محمد تقی، (۱۳۸۶) حکمت اصول سیاسی اسلام، چاپ دوم، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ ق) وسائل الشیعه، تحقیق: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، چاپ اول، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق) مفردات ألفاظ قرآن، تحقیق و تصحیح: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، دارالقلم، الدار الشامیه، بیروت
۱۰. شیخ ابوالفتح، علی بن محمد بن کراجکی طرابلسی، (۱۴۱۰ ق) کنز الفوائد، دارالذخائر، قم
۱۱. شیخ صدوق، ابن بابویه، (۱۳۷۸ ق) عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، انتشارات جهان، تهران.
۱۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ ش) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰ ش) تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران
۱۴. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، (بی تا) مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، قم
۱۵. نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید، (۱۴۰۴ ق) کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم